

Linguistic Analysis of the Sermon of “The Pious” (*Khuṭbat al-Muttaqīn*) in *Nahj al-Balagha* Based on John Searle’s Speech Act Theory

Maryam Mirzavand

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. maryammirzavand343@gmail.com

Abstract

The present study aims to examine the speech acts in Sermon 193 of *Nahj al-Balagha*, renowned as the “Sermon of the Pious” (*Khuṭbat al-Muttaqīn*). As one of the most prominent religious, rhetorical, and epistemological texts, this sermon holds significant potential for linguistic analysis within social, ethical, and cognitive contexts. Its rhetorical and thematic characteristics render it a rich framework for studying the role of language in conveying profound theological and ethical concepts. The primary objective of this research is to identify linguistic structures and speech acts within the sermon and analyze the role of language as an instrumental tool in meaning production, guidance, commitment, and even influencing the audience. The central research question explores how language in this sermon transcends mere informative and descriptive functions to become a means of transforming the audience’s attitudes and behaviors. Methodologically, this study adopts a descriptive-analytical approach, extracting linguistic data from Sermon 193 and classifying them based on John Searle’s speech act theory. Searle’s fivefold classification—assertives, directives, commissives, expressives, and declaratives—serves as the foundational framework for analysis. Contextual indicators are employed to meticulously examine the relationship between speech act objectives, semantic fields, and sentence structures. A context-oriented approach facilitates a deeper understanding of how language functions within religious and spiritual frameworks, demonstrating that speech in such texts carries meaning and serves as an agent of transformation in the audience’s cognition and conduct. The findings indicate that the Sermon of the Pious strategically employs various speech acts: assertives describe the traits of the pious and outline an ethical model for the audience, serving to construct a mental image of the ideal human within Islamic thought; directives, particularly imperative sentences, urge the audience to reflect, reform their behavior, and adhere to moral and faith-based principles; commissives emphasize the speaker’s commitment to religious values and invite adherence to these principles; expressives and declaratives play a notable role in conveying religious emotions, expressing love and reverence for God, and fostering an emotional connection with the audience. The diversity, distribution, and interaction of these speech acts reflect the sermon’s rhetorical coherence, semantic richness, and purposeful content. In summary, language in Sermon 193 is not merely an instrumental medium for conveying meaning but an active, intentional, and influential force that guides the audience’s intellect, heart, and behavior. Searle’s speech act theory provides a conceptual framework for analyzing the multifaceted functions of language in religious texts. This analytical approach opens new horizons for the semantics of sacred texts and Islamic rhetoric, paving the way for interdisciplinary research in philosophy of language, theology, and linguistics. The findings of this study establish a foundation for expanding analytical tools to examine the impact of religious language in shaping beliefs, identity, and religious practices.

Keywords: *Nahj al-Balagha*, Sermon of the Pious (*Khuṭbat al-Muttaqīn*), John Searle’s Speech Act Theory.

Received: 2024/06/22 ; Received in revised form: 2024/08/06 ; Accepted: 2024/09/10 ; Published online: 2024/10/01

<https://doi.org/10.71914/lrit.2024.10211196091>

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

تحلیل زبان‌شناختی خطبه «متقین» نهج البلاغه براساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل

مریم میرزاوند

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
maryammirzavand343@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کنش‌های گفتاری در خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه که به خطبه «متقین» شهرت دارد، است. این خطبه به‌عنوان یکی از متون برجسته در حوزه دینی، بلاغی و معرفتی، ظرفیت بالایی برای تحلیل زبان در بافت‌های اجتماعی، اخلاقی و معرفتی دارد. ویژگی‌های بلاغی و محتوایی این خطبه، آن را به بستری غنی برای مطالعه نقش زبان در انتقال مفاهیم عمیق اعتقادی و اخلاقی تبدیل کرده است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی ساختارهای زبانی و کنش‌های گفتاری موجود در این خطبه و تحلیل و بررسی نقش زبان به‌عنوان ابزار کنشی در تولید معنا، هدایت، تعهد و حتی تأثیرگذاری بر مخاطب است. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه زبان در این خطبه از کارکرد صرفاً خبری و توصیفی فراتر رفته و به ابزار تغییر نگرش و رفتار مخاطبان تبدیل می‌شود. از منظر روش‌شناسی، این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌های زبانی از متن خطبه ۱۹۳ استخراج شده و براساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل شامل کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی و اعلامی، مبنای اصلی تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از شاخص‌های بافت‌محور، ارتباط میان هدف کنش‌گفتاری، زمینه معنایی و ساختار جمله به‌شکل دقیق بررسی شود. رویکرد بافت‌محور، درک عمیق‌تری نسبت به نحوه عملکرد زبان در بسترهای دینی و معنوی شکل می‌دهد. این مضمون، نشان می‌دهد که گفتار در این متون حامل معناست و عامل تحول در ذهن و رفتار مخاطب به‌شمار می‌رود. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که خطبه متقین به شکلی هوشمندانه از انواع کنش‌های گفتاری بهره می‌برد. کنش‌های اظهاری به‌منظور توصیف خصوصیات پرهیزگاران و ترسیم الگوی اخلاقی برای مخاطب به کار رفته‌اند؛ این توصیف‌ها در خدمت ایجاد تصویری ذهنی از انسان آرمانی در منظومه فکری اسلام هستند. کنش‌های ترغیبی به‌ویژه در قالب جملات امری، به‌منظور واداشتن مخاطب به تأمل، اصلاح رفتار و پیروی از اصول اخلاقی و ایمانی به کار رفته‌اند. همچنین، کنش‌های تعهدی نمایانگر تأکید گوینده بر ارزش‌های دینی و دعوت به پایبندی به این اصول هستند. در مواردی نیز کنش‌های عاطفی و اعلامی در

استاد به این مقاله: میرزاوند، مریم (۱۴۰۳). تحلیل زبان‌شناختی خطبه «متقین» نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل.

پژوهش‌های زبان‌شناختی متون اسلامی، ۳۱(۳)، ص ۶۷-۸۸. <https://doi.org/10.71914/lrit.2024.10211196091>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



انتقال احساسات دینی، ابراز عشق و خشیت نسبت به خداوند و ایجاد پیوند عاطفی با مخاطب نقش قابل توجهی دارند. تنوع، توزیع و تعامل این کنش‌ها در متن، نشانه‌ای از انسجام بلاغی، غنای معنایی و هدف‌مندی محتواپی خطبه است. در مجموع، زبان در خطبه ۱۹۳ صرفاً نقش ابزاری در انتقال مفاهیم ندارد، بلکه کنشی فعال، هدفمند و تأثیرگذار است که در جهت هدایت ذهن، قلب و رفتار مخاطب عمل می‌کند. نظریه کنش گفتاری سرل، بستری مفهومی فراهم می‌کند تا عملکرد چندلایه زبان در متون دینی تحلیل پذیر گردد. این نوع تحلیل و ارزیابی کنش‌های گفتاری، افق‌های تازه‌ای در برابر معناشناسی متون مقدس و بلاغت اسلامی پدید می‌آورد و مسیر روشنی را برای پژوهش‌های بینارشته‌ای در حوزه فلسفه زبان، الهیات و زبان‌شناسی فراهم سازد. یافته‌های این پژوهش، مبنایی برای گسترش ابزارهای تحلیلی در بررسی تأثیر زبان دینی در شکل‌گیری باورها، هویت و رفتارهای دینی به‌وجود می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، خطبه متقین، نظریه کنش گفتاری جان سرل.

۱. مقدمه

تحقیق در علوم انسانی به‌منظور شناخت برنامه‌ریزی و ثبت و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر، ضرورتی انکارناپذیر است که استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی با در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی فرهنگ و اصیل از ارکان ارزشمندی جوامع در جهت سعادت‌مندی محسوب می‌شود. پویایی، واقع‌گرایی و کارایی اینگونه پژوهش‌ها در هر جامعه‌ای وجود دارد. پژوهش کارآمد در جامعه ایرانی - اسلامی به‌خصوص در حیطه معنویات از یک‌سو در گرو شناخت واقعیات جامعه بوده و از سوی دیگر، از اسلام به‌عنوان استوارترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی یاد می‌شود تا ارزش والای آنها، همیشه خاطرنشان گردد. بنابراین، شناخت دقیق و عمیق معارف اسلامی و استفاده از آن در تحقیق، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (عبداللهی، ۱۴۰۲، ص ۳). در پژوهش حاضر، کنش‌های گفتاری حضرت علی (ع) و مشارکت‌کنندگان گفتمان از نظر اندیشمند معاصر جان سرل بررسی می‌شود. نظریه کنش‌های گفتاری برگرفته از علم کاربردشناسی در حیطه زبان‌شناسی مطرح شده است. این نظریه برخاسته از تحلیل گفتمان است که به تحلیل زبان و گفتمان‌ها می‌پردازد. کنش‌های گفتاری، شامل کنش‌های اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی است. تحلیل و بررسی کنش‌های گفتاری در متون دینی و اخلاقی، نقش مهمی در درک بهتر مفاهیم و پیام‌های این متون دارد. در این راستا، نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل که به تحلیل نحوه استفاده از زبان برای انجام انواع مختلف اقدامات یا کنش‌های گفتاری می‌پردازد؛ یکی از رویکردهای مهم در حوزه کاربردشناسی زبان به‌شمار می‌رود. خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه، معروف به خطبه متقین، یکی از برجسته‌ترین متون دینی است که به بیان ویژگی‌ها و صفات پرهیزگاران و اهمیت پرهیزگاری پرداخته است. این خطبه، به‌عنوان یکی از گنجینه‌های ارزشمند آموزه‌های اسلامی، نه تنها از لحاظ محتوا، بلکه از دیدگاه ساختار گفتاری نیز دارای اهمیت فراوانی است. در این پژوهش، با استفاده از نظریه کنش‌های گفتاری سرل، به تحلیل و بررسی انواع مختلف کنش‌های گفتاری موجود در خطبه متقین پرداخته می‌شود.

سؤال اصلی پژوهش پژوهش حاضر این است که: در تحلیل زبان‌شناختی خطبه متقین نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری جان سرل، بیشترین اثرگذاری بر کدام ارزش‌گذاری دینی است؟ همچنین پژوهش بر این فرضیه استوار است که: براساس کنش‌های اظهاری و ترغیبی جان سرل در معرفی پرهیزگاران، بیشترین تأثیرگذاری آن بر تشویق مسلمانان به عبادت، پرهیزگاری، خداشناسی و معرفت‌شناسی است. هدف اصلی این مطالعه نیز فهم دقیق‌تر نحوه استفاده از زبان در این خطبه برای

انتقال آموزه‌های دینی و اخلاقی، تشویق مخاطبان به پیروی از راه راست و تعهد به اصول اخلاقی است. با این رویکرد، می‌توان به شناخت بهتری از ساختار و محتوای این خطبه دست یافت و تأثیرات آن را بر رفتار و نگرش‌های مخاطبان مورد ارزیابی قرار داد.

۲. پیشینه پژوهش

نجفی ایوکی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه کنش گفتاری سرل»، با روش توصیفی-آماري و تحلیل محتوا و براساس بافت موقعیتی، خطبه متقین را براساس نظریه جان سرل، مورد بررسی قرار داده تا کنش‌های گفتاری و دلایل آن را تحلیل و تبیین نماید. یافته‌ها حاکی از آن است که کنش اظهاری در این خطبه، بیشترین بسامد را در برمی‌گیرد؛ چراکه امام علی (ع) در خطبه مذکور، حوادث تاریخی سقیفه را بیان کرده‌اند.

بجنوردی وحید، فریده (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل زبان‌شناسانه خطبه ۵۲ نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، کنش‌های گفتاری مورد استفاده حضرت علی (ع) را در خطبه ۵۲ مورد تحلیل قرار داده و نشان دادند که در این خطبه، کنش اظهاری، بیشترین تکرار را داشته و این امر به دلیل ماهیت سخنرانی است؛ در حالی که در این خطبه اصلاً کنش اعلامی وجود ندارد. همچنین، استفاده از کنش‌های ترغیبی و اظهاری، ارتباط خاصی با جایگاهشان در خطبه ندارند؛ زیرا در سراسر خطبه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از طرفی، کنش تعهدی فقط در میانه کلام دیده شده و این می‌تواند دلیلی بر استوارسازی کل سخن در خطبه باشد. امام علی (ع) در جای جای خطبه از کنش غیرمستقیم استفاده کرده‌اند؛ تا از این طریق، تأثیر عمیق‌تری بر روی مخاطب بگذارند.

۳. نگاهی به شخصیت فکری جان سرل

جان راجرز سرل، یکی از سرشناس‌ترین فیلسوفان تحلیلی معاصر است که در سال ۱۹۳۲ در شهر دنور آمریکا متولد شد. در سال ۱۹۵۰، تحصیل فلسفه را در دانشگاه آکسفورد آغاز کرد و پس از نه سال تحصیل در ۱۹۵۹م، از رساله دکتری خود با عنوان «معنا و حکایت»، زیر نظر دو فیلسوف بزرگ آکسفورد، جان آستین و پیترو استراوسن دفاع کرد. در همین سال به آمریکا بازگشت و از آن زمان تاکنون در دانشگاه کالیفرنیا ایالت برکلی به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اشتغال دارد (عبداللهی، ۱۴۰۲، ص ۸). سرل به اقتضای غلبه فلسفه تحلیلی بر فضای فلسفه‌ورزی انگلیس و آکسفورد، در سنت فلسفه تحلیلی پرورش یافت؛ اما خود را در حصار این سنت محدود نکرد و وارد افق‌هایی فراتر از مسائل فلسفه تحلیلی شد، تا در حالی که سنت تحلیلی هواداران خود را ترغیب می‌کند، بر جنبه‌های خاصی از یک یا دو موضوع تمرکز کند. سرل در دوران طولانی فعالیت خود،

به‌طور گسترده درباره موضوعات گوناگونی چون فلسفه زبان، فلسفه ذهن، ماهیت و ساختار نهادهای اجتماعی، سیاق هستی‌شناسی علم تجربی و علیّت قلم زده است. مهم‌تر از آن، ورود سرل به عرصه‌های گوناگون فکری به معنای پراکنده‌گویی در مسائل مختلف و ارائه آثار نامنسجم نیست؛ بلکه از ترکیب همه این مباحث، یک تصویر جامع واحد از حوزه‌های سه‌گانه ذهن، زبان و جامعه پدید آورده است.

جان سرل این تصویر جامع را در کتاب «ذهن، زبان و جامعه»: فلسفه در جهان واقعی»، تصویری جامع و یکپارچه از رابطه میان ذهن، زبان و جامعه ارائه کرده است (Saerl, 1998). موضع فلسفی سرل تا اندازه زیادی واکنشی در برابر سنت معاصر قدرتمند و گسترده پسامدرنیسم است؛ که به دنبال شالوده‌شکنی در همه عرصه‌ها به‌ویژه طرز برداشت ما از امور واقعی است. همچنین، در تقابل با دیدگاه غالب در روان‌شناسی و فلسفه ذهن است که در تبیین پدیدارهای ذهنی، آگاهی را به‌کلی نادیده می‌انگارند یا آن را جدی نمی‌گیرند. ویژگی دیگری که موجب می‌شود سرل را فیلسوفی فراتر از سنت تحلیلی به‌شمار آوریم، جاذبه اندیشه‌های وی برای متفکران دیگر حوزه‌ها است. مراحل فکری سرل را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱) **دوره فلسفه زبان:** این دوره با حضور در آکسفورد و شاگردی آستین آغاز شد. او در سال ۱۹۶۹، کتاب اثرگذار «افعال گفتاری» را منتشر کرد. در سال ۱۹۷۹، کتاب مهم دیگری را با عنوان «عبارت و معنا» نشر داد؛ که در واقع، مجموعه مقالات وی پس از کتاب نخست و تداوم و بسط اندیشه‌های موجود در آن بود (سرل، ۱۹۷۹).

۲) **دوره فلسفه ذهن:** کندوکاوهای فلسفی سرل در خصوص زبان، او را بدانجا رساند که پژوهش درباره زبان بدون نظریه‌ریزی در خصوص ذهن ممکن نیست و در نتیجه، فلسفه زبان مبتنی بر فلسفه ذهن است. پژوهش‌های فلسفی سرل درباره ذهن در سال ۱۹۸۳ در کتاب تأثیرگذار «حیث التفاتی» منتشر شد. فلسفه ذهن سرل از حیث التفاتی تا آگاهی و سرشت ذهن و نسبت آن‌دو با زبان و نیز رابطه این چهار امر (ذهن، آگاهی، حیث التفاتی و زبان) با واقعیت اجتماعی را دربرمی‌گیرد (Searl, 1983).

۳) **دوره فلسفه اجتماع:** سرل در ادامه تحقیقاتش در زمینه فلسفه ذهن و زبان، متوجه این واقعیت بسیار اساسی شد که زبان و افعال گفتاری که با آن انجام می‌دهیم، جزو واقعیت‌های اجتماعی‌اند. ما در جهان پیرامون خود با واقعیت‌هایی مواجهیم که از سنخ واقعیت‌های طبیعی نیستند و نمی‌توان آنها را براساس مفاهیم علوم طبیعی و فیزیکی توصیف و تبیین کرد. وی نتیجه پژوهش‌های خود در این زمینه را به سال ۱۹۹۵ در کتاب «ساخت واقعیت اجتماعی» منتشر کرد و با کتاب «ساخت جهان اجتماعی» ادامه داد (عبداللهی، ۱۴۰۲، ص ۱۰).

۴. نظریه کنش گفتاری جان سرل

نظریه کنش گفتاری، یکی از نظریه‌های مطرح شده در علم کاربردی زبان است؛ که با در نظر گرفتن زبان در چارچوب کنش انسان، دستیابی به ناگفته‌های متن و تحلیل معانی غیربديهی کلام را ممکن می‌سازد و به تفسیر سیستماتیک متون منجر می‌شود. براساس این نظریه، انسان برای بیان مقصود خود، به تولید قطعات گفتاری حاوی کلمات و ساختارهای دستوری بسنده نمی‌کند؛ بلکه سعی می‌کند اعمالی را که به آن افعال گفتاری می‌گویند، از طریق این قسمت‌های گفتار انجام دهد (صرفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵). در واقع، «کنش گفتار»^۱ شاخه‌ای از زبان‌شناسی و فلسفه زبان است که در آن، گفتار انسان فقط شامل کلمات و جملات نیست، خود گفتار، یک عمل است و هدف و نیت خاصی دارد و از طریق این قسمت‌های گفتار، ترفندهای زبانی را آگاهانه و ناخودآگاه به کار می‌برد که به آن کنش گفتاری می‌گویند (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۰). کنش‌های گفتار، یکی از عناصر مهم و اساسی مطرح در مباحث کاربردشناسی زبان است که در تحلیل گفتمان نیز کاربرد دارد (طباطبایی لطفی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲). تحلیل گفتمان به معنای تجزیه و تحلیل زبان است. به‌دیگر سخن، گفتمان، مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای زبانی در بافت فرهنگی هر زبان است که به‌منظور القای بهتر هدف گوینده با شگردهای بیانی خاص و شکلی غالباً درونی‌شده، بروز می‌یابد. به تعبیر دیگر، گفتمان، تلازم میان گفته با کارکردهای اجتماعی یا معنایی است که در آن، اطلاعات به‌صورت پاره‌گفتار ارائه می‌شود و به‌صورت نمونه‌های نوشتاری، گفتاری و نشانه‌شناختی، تجلی پیدا می‌کند (صرفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹). براساس نظریه کنش گفتار برای کشف ناگفته‌های متن، به‌جای پرداختن به جمله‌ها یا واحدهای نحوی باید به پاره‌گفتار توجه کرد. پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که حاصل معنای جمله و بافت تولید آن می‌باشد (فضانالی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۵-۸۶). در کنش گفتار توجه به بستر اجتماعی تاریخی و ادبی متن اهمیت بسیار دارد (صرفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹). در مجموع، کنش‌های گفتاری پنج‌گانه شامل موارد زیر است: «کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی» (سرل، ۱۹۷۵، ص ۳۴۴-۳۶۹).

کنش اظهاری: آن دسته از کنش‌های گفتاری که نشان‌دهنده باور گوینده به درست بودن اوضاع امور می‌باشد؛ بیاناتی همچون بیان حقیقت، توصیف و نتیجه‌گیری که گوینده از راه این دسته از کنش‌های گفتاری، جهان را آن‌گونه که هست یا آن‌گونه که باور دارد، نشان می‌دهد. در این کنش،

1. Speech Act
2. Representatives act

افعالی خاص به کار می‌رود، ازجمله، شروع کردن، ثابت کردن، ادعا کردن، انتقاد کردن، بخشیدن، آشکار کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تأیید کردن، شرح دادن، وصف کردن، توضیح دادن، گزارش دادن (افضلی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۶۴). سایر افعال کنش اظهاری معرفی کردن، ابراز کردن، تصریح کردن، تفسیر کردن، دسته‌بندی کردن، گفتن، دفاع کردن، محدود کردن، رها نمودن، تغییر فعالیت دادن، دلیل آوردن، نفی کردن، اعتراض کردن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص ۶۸). هدف از کنش اظهاری/اعلامی، توصیف موقعیت یا رویدادی است که در آن گوینده نظر خود را در مورد درستی یا نادرستی یک مطلب بیان می‌کند. این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح‌شده نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۸۲). به بیانی دیگر، در این عمل، گوینده مدّعی صحت گفته در زبان گفتاری است. به طور کلی، اقوال، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، گفته‌ها، تأکیدها، توصیف‌ها و بیان‌های حقایق و مانند آنها که گوینده در آنها دنیای خارج را آن‌گونه که معتقد است، به تصویر می‌کشد، عمل اظهاری دارد (باربر و استینتون، ۲۰۱۰، ص ۷۰۹).

کنش ترغیبی: به آن دسته از افعال گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را به انجام کاری تشویق می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار به انجام کاری قرار می‌دهد؛ یعنی گوینده سعی می‌کند کارها را انجام دهد و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است، تطبیق دهد (یول، ۱۹۹۶، ص ۵۴). این کنش، خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد. افعال کنش ترغیبی شامل خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القاء کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه‌انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اخطار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

کنش تعهدی: شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند (آلام، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶). به بیانی دیگر، توان منظوری این کنش آن است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد (سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۴). افعالی چون قسم خوردن، تعهد دادن، پیشنهاد دادن، قول دادن، توجیه کردن، ثابت کردن و ضمانت کردن، نمونه‌هایی از این کنش گفتاری هستند (نجفی‌ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶).

کنش عاطفی: شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (یول، ۱۹۹۶، ص ۵۳). به بیان دیگر، این کنش‌ها، حالت روانی گوینده درباره

اوضاع و شرایطی را بیان می‌کند که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش، گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند، تطابق دهد و نه کلمات بیان‌شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان‌شده، بدیهی و مسلّم فرض می‌شود (سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۵). «ممنونم»، «از اینکه عزیزتان را از دست دادید، متأسفم» و... از عبارتهایی هستند که کنش گفتاری آنها بر عاطفه و احساس دلالت دارد. از جمله افعال مرتبط با این کنش را می‌توان تبریک گفتن، سپاسگزاری کردن، عذرخواهی کردن، تمجید کردن، اظهارتأسف کردن، هجو کردن، سلام دادن، تحسین کردن، سرزنش کردن، خشنود کردن، دشنام دادن، اهانت کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، خشمگین کردن، ناسپاسی کردن و ناامید شدن و... عنوان کرد.

کنش اعلامی: شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها، تغییراتی واقعی در جهان بیرون ایجاد می‌شود (سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۷). از آنجا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است؛ می‌توان آنها را کنش‌های نهادهای نامید. در چنین کنشی، گوینده با بیان جمله، در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند؛ یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج، انطباق ایجاد می‌کند (هوانگ، ۲۰۰۷، ص ۷۰۹). افعال کنش اعلامی شامل انتصاب کردن، اعلام نمودن، آغاز کردن، پایان دادن، نام‌گذاردن، به کار گماردن، محکوم کردن، تحریک کردن، عقد یا ازدواج درآوردن و... است (نجفی‌ابوکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷).

۵. خطبه متقین / خطبه همّام و ماهیت آن

از خطبه‌های معروف امیرمؤمنان(ع)، خطبه متقین است که به درخواست یکی از شیعیان به نام همّام بیان شده است. امام(ع) در این خطبه که در نهج البلاغه آمده است، به توصیف متقین می‌پردازد. خطبه متقین یا خطبه همّام درباره صفات افراد متقی است. در این خطبه، رفتارهای فردی، اجتماعی و عبادی متقین به این صورت به تصویر کشیده شده است. امام علی(ع) که در مرحله اول چنین توصیفی را نمی‌خواست، به همّام فرمود: ای همّام از خدا بترس و پرهیزگار باش. همان‌طور که در قرآن کریم آمده است: «همانا خدا با کسانی است که پرهیزگار و نیکوکارند» (نحل، ۱۲۸). اما همّام از این پاسخ قانع نشد و به امام اصرار کرد که پرهیزگاران را برایش توصیف کند. امام علی(ع) که اصرار همّام را دید، این خطبه را ایراد فرمود (علی‌ابن‌ابی‌طالب، ۱۳۹۸، مقدمه).

اوصاف اجتماعی متقین در خطبه به این شرح است: نیک‌گفتاری، میانه‌روی، فروتنی، چشم‌پوشی از محرمات، گوش دادن به علم سودمند، حریص در طلب دانش، شکیبایی در سختی، بخشیدن کسی که بدو ستم کرده، دوری از سخن زشت، تباہ نکردن آنچه بدانها سپرده‌اند، فروبردن خشم، در

امان بودن مردم از بدی آنها،

اوصاف فردی متقین در خطبه به این شرح است: بدگمانی به خویشتن، ترس از ستوده شدن توسط دیگران، ایمان با یقین، بردباری، امید به امور اخروی و ناخواهانی دنیا،
اوصاف عبادی (رابطه با خالق) در خطبه متقین نیز به این شرح است: نمازهای شبانه با تلاوت قرآن، دواجویی در قرآن، اثرگذاری آیات قرآن بر جان آنها، خشوع در عبادت، یاد خدا و سپاس از او در طول شبانه روز.

۶. تحلیل محتوا

۶-۱. کنش اظهاری

در این بخش از پژوهش، نمونه‌هایی از کنش اظهاری در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

✦ توصیف کردن

«و من خطبة له عليه السلام يصف فيها المتقين»؛

ترجمه: و از خطبه‌های آن حضرت (ع) که در آن، اوصاف متقین را بیان می‌فرماید.

فعل «یصف»، کنش اظهاری است؛ چراکه این خطبه، به توصیف ویژگی‌های پرهیزگاران می‌پردازد. علاوه بر معنای توصیف کردن، معنای بیان کردن نیز از این فعل دریافت می‌شود.

«صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ»؛

ترجمه: برای من آن چنان وصف کن.

فعل «صِفْ لِي»، طلب یا درخواست توصیف کردن از حضرت علی (ع) می‌باشد و بر کنش اظهاری از حیث توصیف کردن و بر کنش ترغیبی نیز از نظر طلب یک امر یا درخواست توصیف از حضرت علی (ع) دلالت دارد.

✦ روایت کردن یا گفتن / معرفی کردن

«رَوَى أَنَّ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقَالَ لَهُ هَمَّامٌ كَانَ رَجُلًا عَابِدًا فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

...».

ترجمه: گفته شد یکی از یاران پرهیزگار امام (ع) به نام همّام گفت: ای امیر مؤمنان ...

«رَوَى» نیز، یک کنش اظهاری است و فعل مجهول است و کنش‌گر آن، نامشخص می‌باشد. علاوه بر این، فعل‌های «يُقَالُ لَهُ» و «فَقَالَ لَهُ» در این جمله، کنش اظهاری است که به منظور گفتن چیزی به کار رفته است. «يُقَالُ لَهُ» نیز، به منظور معرفی نمودن «همّام» به کار رفته است.

«فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشْيُهُمُ التَّوَاضُّعُ غَضَاوًا

أَبْصَارُهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ التَّافِعِ لَهُمْ نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ الَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرِّخَاءِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

ترجمه: پرهیزگاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند. سخنانشان راست، پوشش آنان میانه‌روی و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده، می‌پوشانند و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند و در روزگار سختی و گشایش، حال‌شان یکسان است. حضرت علی (ع) در این قسمت از خطبه، افراد باتقوا و پرهیزگار را معرفی و ویژگی‌های آنان را شرح می‌دهند و از این حیث، دارای کنش اظهاری است.

♦ وصف کردن

«لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ عَظُمَ الْخَالِئُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

ترجمه: روح آنان حتی به اندازهٔ برهم‌زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت، از شوق دیدار بهشت و از ترس عذاب جهنم. خدا در جان‌شان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به سر می‌برند و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند. دل‌های پرهیزگاران، اندوهگین و مردم از آزارشان در امان، تن‌هایشان لاغر، و درخواست‌هایشان اندک و نفس‌شان عفیف و دامنشان پاک است.

حضرت علی (ع) در این بند از خطبه هم‌ام، به وصف کامل ویژگی‌های پرهیزگاران پرداخته‌اند و آنان را با چنین جزئیاتی توصیف می‌کنند. ایشان با توصیفاتی نظیر: نفس پرهیزگاران، اعتقاد و باور آنان به بهشت و جهنم، اندام آنان، بی‌آزاری و مظلومیت پرهیزگاران و پاکی و پاکدامنی، آنان را برای سایر مسلمانان، تبیین می‌کنند. این مطلب و چنین توصیفاتی، کنش اظهاری به‌شمار می‌رود.

♦ پاسخ دادن

«فَتَشَاقَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَوَابِهِ»

ترجمه: امام (ع) در پاسخ او درنگی کرد.

«فَتَشَاقَلَ عَلَيْهِ» و «عَنْ جَوَابِهِ»، دلالت بر پاسخ دادن یا پاسخ‌گویی بوده و کنش اظهاری است.

♦ دلیل آوردن و نفی کردن

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْمَخْلُوقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَيَّيَا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةُ مَنْ عَصَاهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ مَنْ أَطَاعَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

ترجمه: پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند سب‌جان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی‌نیاز و از نافرمانی آنان در امان بود؛ زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی می‌رساند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد.

«لَا تَنْهَ»، کنش اظهاری است و دلالت بر چرایی، علت و دلیل آوردن دارد. افزون بر این مطلب، دو فعل منفی «لَا تَصْرَهُ» و «لَا تَنْفَعُهُ»، نیز بر نفی کردن تأکید می‌کند.

✦ تقسیم‌بندی یا دسته‌بندی کردن

«فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳).

ترجمه: «قسم»، کنش اظهاری درباره خدا است و بر تقسیم روزی یا نعمت‌های الهی اشاره می‌کند.

۲-۶. کنش ترغیبی

✦ درخواست کردن یا طلبیدن: فعل امر یا دستوری/ ندا کردن/ گفتن

«قَالَ يَا هَمَّامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنِ...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: فرمود: ای همّام از خدا بترس و نیکوکار باش.

«قال»، به معنای گفتن است و بر کنش اظهاری اشاره دارد؛ اما «اتَّقِ» و «أَحْسِنِ»، دو فعل امر هستند و بر درخواست کردن یا طلب نمودن چیزی یا طلب و خواستن از کسی برای انجام کاری دلالت دارد و از این نظر، کنش ترغیبی می‌باشد. به علاوه اینکه، حرف ندای «یا»، همین کنش را مورد بحث قرار می‌دهد؛ چراکه به منظور صدا زدن یا مورد خطاب قرار دادن همّام است و حضرت علی (ع)، برای امر نمودن به تقوای پیشگی و نیکوکاری، این شخص را مورد خطاب قرار می‌دهد.

✦ درخواست کردن، طلب و دعا

«اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: بار خدایا، مرا بر آنچه می‌گویند محاکمه نفرما و بهتر از آن قرارم ده که می‌گویند، و گناهانی که نمی‌دانند، ببامرز.

در این قسمت از متن خطبه، افعالی نظیر «لَا تُؤَاخِذْنِي»، «اجْعَلْنِي» و «اغْفِرْ لِي» با «اللهم» ملازمت دارند و امام علی (ع)، دست به دعا برداشته و برای پرهیزگاران و مسلمانان دعا می‌کنند و از خداوند طلب آموزش برای گناهکاران دارند.

✦ خواستن و طلبیدن

«يُطَلَّبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَائِكَ رِقَابِهِمْ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند.

کنش گفتاری پرهیزگاران در این قسمت از متن خطبه، ترکیبی است و بر طلبیدن و خواستن دلالت می‌کند و فعل «يُطْلَبُونَ»، بر این مضمون اشاره دارد.

«يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوا وَ أَسَرَّتْهُمْ فَقَدُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: دنیا می‌خواست آنها را بفریبد؛ اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گردانند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

حضرت علی(ع) در این قسمت از خطبه، به کنش دنیا اشاره می‌کند و درباره فریفتگی دنیا و وسوسه نمودن مردم پرهیزگار به دلبستگی‌های مادی خویش، اینچنین می‌فرماید. بر همین اساس، می‌توان چنین درک نمود که کنش دنیا، یک کنش ترغیبی است.

✦ سؤال کردن

«فَمَا بِالْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: چرا با تو چنین نکرد.

«ما»، اسلوب استفهام می‌باشد و کنش ترغیبی است. این جمله، حضرت علی(ع) را ترغیب به پاسخ دادن به صورت هوشمندانه می‌کند.

«أَهَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظَ الْبَالِغَةَ بِأَهْلِهَا؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: آیا پندهای رسا با آنان که پذیرنده‌اند، چنین می‌کند؟

«أ»، یکی از نشانه‌های استفهام بوده و کنش ترغیبی است که در گفتار، صورت پذیرفته است.

✦ تکرار کردن

«لَاخِزَاءَ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند.

«يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً» متضمن تکرار و تأکید معنوی است؛ چراکه «تَرْتِيلاً»، مصدر «يُرْتَلُونَهَا» بوده و مفعول مطلق تأکیدی است. این واژه، به‌منظور تأکید معنای خوانش قرآن با اندیشه و روشنگری ذهنی بیان شده و کنش ترغیبی است. در واقع، حضرت علی(ع) همه مسلمانان را به خوانش قرآن با درک مضمون و محتوای آن ترغیب می‌کنند؛ از این‌رو، پرهیزگاران را توصیف می‌کنند که قرآن را با فکر و اندیشیدن به مفاهیم آن می‌خوانند.

«خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ أَمَّا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاةٍ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَهُ فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَصَّعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: پس از ستایش پروردگار همانا خداوند سبحان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان

بی‌نیاز و از نافرمانی آنان در امان بود؛ زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی می‌رساند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد، روزیِ بندگان را تقسیم و هرکدام را در جایگاه خویش قرار داد.

در این بخش از خطبه مشخص می‌شود که بیشترین بسامد تکرار کردن وجود دارد و تکرارهای لفظی و معنوی با غرض تأکید را دربرمی‌گیرد. بنابراین، می‌توان به برخی از نمونه‌های آن اشاره نمود: «خَلَقَ»، «الْخَلْقَ»، «خَلَقَهُمْ»، «طَاعَتِهِمْ»، «مَعْصِيَتِهِمْ»، «عَصَاةُ»، «طَاعَةُ»، «أَطَاعَةُ»، «وَصَّعَهُمْ» و «مَوَاضِعُهُمْ». واژه‌ها، دارای حروف مشترک و تکراری هستند که از نظر معنایی با یکدیگر اشتراک دارند و در علم بلاغت نیز بدان آرایه اشتقاق می‌گویند. تکرار لفظی یا اشتقاقی، بر معنای محوری جمله تأکید می‌کند. واژه‌های هم‌ریشه با تکرار، انسجام مفهومی می‌سازند و لحن جمله را به سوی معنای عمیق‌تر سوق می‌دهند. این تکنیک اغلب تأثیر عاطفی و تأملی متن را تقویت می‌کند.

تکرار دیگری که در خطبه متقین به شکل فراوان وجود دارد، تکرار حروف جر، اضافه، عطف، ضمائر متصل مانند: «ه»، «هم» و حروف نافی «لا» و «لم» می‌باشد. این رویکرد در کنش گفتاری به‌ویژه در شاهد مثال فوق، کنش ترغیبی است.

«الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهُمْ فِيهَا مُتَعَمُونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

ترجمه: خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک‌مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به‌سر می‌برند و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند.

فعل «قَدْ رَأَاهُمْ»، عیناً تکرار شده است و «فِيهَا»، «كَمَنْ» و «فَهُمْ» نیز تکرار شده‌اند. بر همین مبنا، کنش ترغیبی است. حضرت علی (ع) با بهره‌گیری از فعل مذکور، مسلمانان را به باورپذیری بهشت و جهنم ترغیب می‌کند.

✦ تشویق شدن، طمع کردن/ روی آوردن/ شرط

«فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند. این بخش از خطبه، کنش‌های پرهیزگاران را به شکل خاص نشان می‌دهد. «فَإِذَا»، کنش گفتاری حضرت علی (ع) درباره حالت اشتیاق پرهیزگاران نسبت به بهشت بوده که ظرف زمان است؛ اما چون رابطه مشروط میان اجزای گفتار برقرار می‌کند، بر شرط نیز دلالت می‌کند؛ از این‌رو، کنش‌آزمایی است. با وجود این، کنش‌آزمایی کم‌رنگ‌تر است و با واژگانی چون: «تشویق»، «طمع» و «رَكَنُوا» نیز، کنش ترغیبی پرهیزگاران آشکارتر است.

✦ شرط گذاشتن/ نفی کردن

«لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).
ترجمه: اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرموده، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت.

«لَوْ لَا»، شرط گذاشتن بوده و کنش ترغیبی است؛ چراکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: اگر مرگ نبود برای متقین، روح آنها در بدن و جسم‌شان دمیده نمی‌شد و ایشان، وجود مرگ را برای پرهیزگاران نیز لازم می‌دانند و میان حیات و زندگی پرهیزگاران و مرگ آنان، تلازم برقرار می‌کنند. با این وجود، افعال منفی نظیر «لَمْ تَسْتَقِرَّ» و نشانه نافی «لَا»، کنش اظهاری است و به شکل غیرمستقیم بر نفی نمودن بی‌هدفی آفرینش خداوند از خلقت پرهیزگاران در جهان، دلالت دارد؛ به گونه‌ای که حضرت علی(ع)، جسم و روح آنان را مکمل یکدیگر در مسیر جاودانگی می‌داند.

✦ نصیحت کردن و اخطار دادن

«وَيُحَكِّ إِنَّا لِكُلِّ أَجَلٍ وَفْتًا لَا يَعْدُوهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)
ترجمه: وای بر تو، هر آجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نیفتد...
در این بخش از متن خطبه، «وَيُحَكِّ»، به منظور نصیحت نمودن، اخطار دادن و تذکر آمده است که بر کنش ترغیبی اشاره دارد.

✦ التماس و تمنا کردن/ بیان کردن/ اصرار کردن

«فَلَمْ يَقْنَعْ هَمَّامٌ بِهَذَا الْقَوْلِ حَتَّى عَزَمَ عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)
ترجمه: همام دست‌بردار نبود و اصرار ورزید تا آنکه امام(ع) تصمیم گرفت، صفات پرهیزگاران را بیان فرماید.

«فَلَمْ يَقْنَعْ»، فعل مضارع منفی با نشانه «لَمْ» جازمه بوده و کنش اظهاری است و از آن جهت که معنای قانع نشدن و اصرار ورزیدن بر کاری، از آن دریافت می‌گردد؛ می‌توان کنش ترغیبی پافشاری همام نسبت به حضرت علی(ع) را مورد توجه قرار داد و همام با متقاعد نشدن به حضرت(ع) اصرار می‌کند تا ویژگی پرهیزگاران را بیان کنند. «عَزَمَ عَلَيْهِ» نیز، بر تصمیم عملی حضرت علی(ع) و روحیه تسلیم‌پذیری ایشان دلالت می‌کند؛ تا جایی که ایشان، ویژگی‌ها و صفات پرهیزگاران را توصیف می‌کنند.

۶-۳. کنش تعهدی

✦ قسم خوردن

«فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَخَافُهَا عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: امام (ع) فرمود: سوگند به خدا من از این پیش‌آمد بر همام می‌ترسیدم. حضرت علی (ع)، در پایان خطبه در حالی که همام جان می‌دهد، این جمله را بیان می‌کند و برای بیان اظهار تأسف خود نسبت به این واقعه، قسم به خدا یاد کرده و کلام خویش را شرح می‌دهند. این کنش در گفتار حضرت علی (ع)، کنش تعهدی است. علاوه بر این، اظهار تأسف حضرت علی (ع) نیز، یک کنش عاطفی محسوب می‌شود.

۶-۴. کنش عاطفی

♦ سپاسگزاری کردن

«فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳) / **ترجمه:** خدا را سپاس و ثنا گفت. در این قسمت از خطبه، فعل «حَمِدَ» و «أَثْنَى» بر سپاسگزاری و مدح خداوند تأکید دارد و هر دو فعل، کنش عاطفی هستند. «يُمْسِي وَ هَمَّهُ» (همان)

ترجمه: روز را به شب می‌رساند با سپاسگزاری. واژه «الشُّكْرُ»، کنش عاطفی است؛ چراکه بر سپاسگزاری پرهیزگاران و شکر نعمت‌های الهی تأکید می‌کند.

♦ درود گفتن

«صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» / **ترجمه:** بر پیامبرش درود فرستاد. فعل «صَلَّى عَلَى»، در زبان عربی به معنای درود فرستادن می‌باشد و مرادف با سلام و صلوات در فارسی است. در این بخش از خطبه، حضرت علی (ع) بر پیامبر درود می‌فرستد. فعل «صَلَّى» نیز بر درود و سلام گفتن بر خداوند تأکید می‌نماید.

♦ تمجید کردن

«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: پس از ستایش پروردگار همانا خداوند سبحان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی‌نیاز و از نافرمانی آنان در امان بود.

واژه «سُبْحَانَهُ» و «تَعَالَى» کنش عاطفی هستند و حضرت علی (ع) در مقام گوینده خطبه قصد دارند تا خداوند را با صفات خاصه پاکی و تنزین با لفظ «سُبْحَانَهُ» و بلندمرتبگی «تَعَالَى»، مورد تمجید خویش قرار دهند. این تمجید، به نوعی بالا بردن مقام خداوند عزوجل در جهان خلقت است تا مسلمانان قدردان خداوند در مقام خالقیت باشند؛ چراکه پس از این کنش، «غنی» و «آمِنًا» نیز برای

تأکید بیشتر بر ستایش الهی و تمجید خداوند به کار رفته است. این تمجید نیز، تحسین و ستایش خالق جهانیان را در بر می گیرد و عواطف انسانی را برمی انگیزد.

۵-۶. کنش اعلامی

✦ آغاز و پایان

«يُمْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ» (همان)

ترجمه: روز را به شب می رساند با سپاسگزاری؛ و شب را به روز می آورد با یاد خدا. مفهوم کنایی «يُمْسِي»، پایان یافتن روز و «يُصْبِحُ»، کنایه از آغاز نمودن روز و زمانی است که پرهیزگاران به عبادت الهی مشغول هستند. بر این اساس، کنش اعلامی به صورت غیرمستقیم تحقق یافته است.

✦ اعلام نمودن و پایان دادن

«فَصَعِقَ هَمَامٌ صَعَقَةً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

ترجمه: ناگهان همّام ناله ای زد و جان داد.

در این قسمت، همّام جان می دهد و حضرت علی (ع)، این واقعه را بازگو و اعلام می کنند. بدین منظور که پایان حیات و زندگی همّام فرامی رسد، کنش اعلامی از نوع اعلام کردن و پایان دادن ماجرای حیات و زندگانی این انسان می باشد.

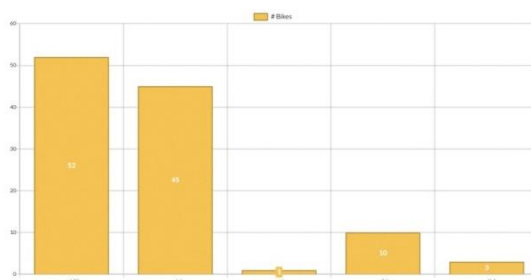
۷. یافته های پژوهش

کنش های گفتاری موجود در خطبه متقین در جدول (۱) نشان می دهد که بیشترین تعداد و بسامد آماری از نظر درصد فراوانی، به کنش های اظهاری در رتبه نخست با ۴۶/۸ درصد و در رتبه دوم کنش ترغیبی با ۴۰/۵ درصد اختصاص یافته و از جایگاه ویژه ای در این خطبه برخوردار است. با این وجود، کنش تعهدی از کمترین آمار برخوردار بوده و با آمار ۰/۹ درصد فراوانی در این خطبه، جایگاه چندانی نخواهد داشت.

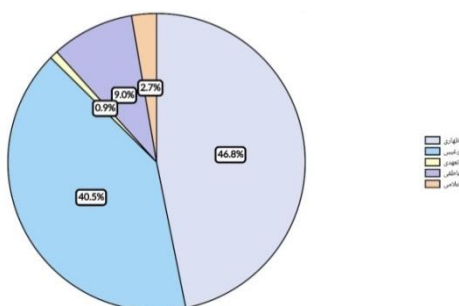
جدول ۱- فراوانی کنش های گفتاری در خطبه متقین

نوع کنش های گفتاری	تعداد فراوانی	درصد فراوانی
اظهاری	۵۲	۴۶٫۸
ترغیبی	۴۵	۴۰٫۵
تعهدی	۱	۰٫۹
عاطفی	۱۰	۹٫۰
اعلامی	۳	۲٫۷

نمودار (۱)، کنش‌های گفتاری بیان شده در جدول (۱) را مورد ارزیابی و مقایسه قرار داده و در این میان، کنش‌های اظهاری و ترغیبی موجود در خطبه ۱۹۳ را در بالاترین جایگاه آماری قرار می‌دهد. کنش‌های اظهاری در این خطبه، با غرض معرفی مقام پرهیزگاران و تحسین یا تکریم، منزلت آنان را نسبت به گناهکاران نمایان می‌کند و کنش‌های ترغیبی، زمینه برانگیختن افراد عادی به دینداری و عبودیت است که این امر، فاصله آنان را با پرهیزگاران در مصادیق اخلاقی، عبادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. نمودار آماری (۲) نیز همانند جدول (۱) درصد آماری کنش‌های پنج‌گانه جان سرل در خطبه ۱۹۳ را از نظر درصد فراوانی تبیین و مقایسه می‌کند. همان‌طور که گفته شد، بالاترین درصد (۴۶/۸) به کنش اظهاری اختصاص دارد.



نمودار ۱- مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری در خطبه متقین



نمودار ۲- مقایسه درصد فراوانی کنش‌های گفتاری در خطبه متقین

۸. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، کنش‌های گفتاری در حوزه کاربردشناسی زبان از دیدگاه جان سرل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. کنش‌های گفتاری، مجموعه‌ای از پاره‌گفتارهایی هستند که گویندگان در یک گفتمان از آنها استفاده می‌کنند و این پاره‌گفتارها فارغ از نحو و قواعد دستوری، در بافت متن یا گفتمان مورد تحلیل قرار می‌گیرند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم واکاوی می‌شوند. نظریه کنش‌های گفتاری

جان‌سرل تأکید دارد که زبان نه‌تنها ابزاری برای انتقال اطلاعات، بلکه وسیله‌ای برای انجام کنش‌های مختلف در تعاملات انسانی است. کنش‌های گفتاری به پنج دسته اصلی اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم می‌شوند. خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه، مشهور به خطبه متقین، یکی از برجسته‌ترین متون دینی است که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. این خطبه به بیان ویژگی‌ها و صفات پرهیزگاران پرداخته و بر اهمیت پرهیزگاری و تقوا تأکید می‌کند. تحلیل کنش‌های گفتاری در این خطبه می‌تواند نقش مهمی در درک بهتر مفاهیم و پیام‌های آن داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در خطبه متقین، کنش‌های اظهاری و ترغیبی، بیشترین بسامد را دارند. کنش‌های اظهاری به معرفی پرهیزگاران و توصیف ویژگی‌های آنها پرداخته و کنش‌های ترغیبی مخاطبان را به پیروی از راه راست و انجام اعمال نیک ترغیب می‌کنند. در مقابل، کنش‌های تعهدی که شامل قسم‌ها و سوگندهای حضرت علی (ع) به خداوند هستند، کمترین بسامد را دارند. این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه از زبان به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای انتقال آموزه‌های دینی و اخلاقی استفاده می‌شود. استفاده از کنش‌های گفتاری در خطبه متقین، تأثیر قابل توجهی بر رفتار و نگرش‌های مخاطبان دارد و به تربیت و آموزش اخلاقی و دینی کمک می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که پیام‌های دینی و اخلاقی می‌توانند از طریق کنش‌های گفتاری به‌طور مؤثری به مخاطبان منتقل شوند.

— منابع —

- آلام، کر (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی تئاتر و درام*. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: قطره.
- افضلی، فرشته و همکاران (۱۴۰۳). گونه‌های کنش گفتاری در صنعت التفات بر پایه نظریه جان سرل (موردپژوهی: آیات الاحکام قرآن کریم). *علوم قرآن و حدیث*، ۵۶(۱۱۲)، ص ۱۵۵-۱۷۹.
- بجنوردی وحید، فریده و همکاران (۱۳۹۳). *تحلیل زبان‌شناسانه خطبه ۵۲ نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری*. در: *گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*.
- بختیاری، ژاله و همکاران (۱۳۹۰). *بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی معنوی (با تأکید بر کنش‌های گفتاری عمل‌روایت)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کردستان.
- زرقانی، سید مهدی؛ اخلاقی، الهام (۱۳۹۱). *تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار*. *ادبیات عرفانی*، ۴(۶)، ص ۶۱-۸۰.
- صرفی، فریده و همکاران (۱۳۹۸). *تحلیل کنش‌های گفتاری در خطبه‌غدير براساس نظریه آستین و سرل*. *امامت‌پژوهی*، ۸(۲۴)، ص ۱۰۵-۱۴۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ سوم.
- طباطبایی‌لطفی، سید عبدالمجید و همکاران (۱۳۹۳). *بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه کنش گفتاری*. *سیاست متعالیه*، ۲(۶)، ص ۹-۳۰.
- عبداللهی، مهدی (۱۴۰۲). *نظریه کنش از دیدگاه جان سرل*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علی‌ابن‌ابی‌طالب (۱۳۹۸). *نهج‌البلاغه: متن، ترجمه و شرح خطبه متقین (همام) براساس متن تصحیح شده از مرحوم دکتر صبحی صالح*. ترجمه محمد دشتی؛ شرح ناصر مکارم شیرازی. نشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- فضانلی، سیده مریم و همکاران (۱۳۹۰). *تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری*. *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، ۴۳(۶۸)، ص ۸۱-۱۱۸.
- نجفی‌ایوکی، علی و همکاران (۱۳۹۶). *تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه کنش گفتاری «سرل»*. *پژوهشنامه نهج البلاغه*، ۵(۱۹)، ص ۱-۱۷.
- Barber, A. & Stainton, R. (eds.) (2010). *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*. Elsevier.
- Huang, Y. (2007). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- Searl, J.R. (1998). *Mind, Language and Society: Philosophy in The Real World*. New York: Basic Books.
- Searle, J.R. (1975). A taxonomy of Illocutionary Acts. *Language and Knowledge. Minneapolis Studies in the Philosophy of Science*, 7, p. 344-369.
- Searle, J.R. (1979). *Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J.R. (1983). *Intentionality: An Essay in the Philosophy of Mind*. New York: Cambridge

University Press.

Searle, J.R. (1999). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. New York and Melbourne: Cambridge University Press.

Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford university press. New York.